

قدیمی ترین نشریات دولتی

معرفی

مجله اصول تعلیمات

● مهران آشوری*

مقالات و یادداشت‌ها

اشاره

نشریات و مجلات قدیمی یکی از منابع معتبر و موثق برای بیان وضعیت و نشانگری مناسبی از شرایط و موقعیت‌های یک پدیده و واقعه می‌باشند که علل و عوامل وقوع آن را نشان می‌دهد و می‌تواند منابع معتبر برای پژوهشگران و علاقمندان به مباحث تاریخی ارزشمند باشد. در این شماره و شماره‌های بعد به معرفی یکی از قدیمی‌ترین نشریات دولتی در حوزه آموزش و پرورش می‌پردازیم که در مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد.

■ مقدمه

مجله اصول تعلیمات به صاحب امتیازی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۲۹۸ خورشیدی به صورت ماهانه به زبان فارسی در قطع ۲۷ سانتیمتر در مطبعه روشنایی در تهران منتشر شد.

این نشریه که از قدیمی‌ترین نشریات دولتی ایران محسوب می‌شود، در زمان پادشاهی احمدشاه قاجار، دولت حسن وثوق‌الدوله و وزارت میرزا احمدخان نصیرالدوله بَدْر منتشر شد و به بحث در زمینه‌های مختلف تعلیم و تربیت می‌پردازد.

قیمت هر نسخه دو قران و نشانی چاپخانه: خیابان علاءالدوله، نمره ۱۱۵ با شماره تلفن ۴۰۶ بوده است.

لوگوی نشریه عبارتست از طرحی که در آن انواع لوازم‌التحریر نظیر خودکار، مداد، پرگار، خط‌کش، گونیا، و کتاب دیده می‌شود که توسط شاخه‌های کوچک برگ‌دار احاطه شده است. عنوان مجله به صورت منحنی در بالای این تصاویر نوشته شده است.

* رئیس بخش نشریات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

دارالمعلمین مرکزی در آغاز دو کلاس داشت، یکی برای ابتدایی و دیگری عالی

میرزا احمدخان نصیرالدوله بَدَر (۱۲۴۹خ، رشت/۱۳۰۹خ، تهران)، فرزند میرزا عبدالوهابخان آصفالدوله، از پیشگامان آموزش و پرورش مدرن در ایران و از دولتمردان دوره قاجار و پهلوی بود. او در جوانی با دختر عبدالصمد میرزا عزالدوله، فرزند محمدشاه قاجار، ازدواج کرد. در کابینه اول وثوقالدوله در اواخر ۱۳۳۴ قمری مقارن با اواسط ۱۲۹۵ خورشیدی به مناسبت وابستگی با میرزا حسن خان وثوقالدوله (نصیرالدوله برادرزن وثوقالدوله بود)، معاون و سپس سرپرست وزارت خارجه شد و در کابینه دوم وثوقالدوله معروف به کابینه قرارداد، در ۲۶ تیر سال ۱۲۹۷ خورشیدی، حدود دو سال، به وزارت معارف رسید. او هجدهمین وزیر معارف ایران بود. از اقدامات پسندیده او، تأسیس دارالمعلمین (دانشسرای) مرکزی در ۱۲۹۸خ، و تبدیل مدرسه دخترانه «فرانکوپرسان» به دارالمعلمیات در ۱۲۹۷خ، بود. دارالمعلمین مرکزی در آغاز دو کلاس داشت، یکی برای ابتدایی و دیگری عالی؛ ریاست آن را ابوالحسن فروغی برعهده داشت و استادان نام‌آوری چون عباس اقبال، غلامحسین رهنما و بدیع الزمان فروزانفر در آن تدریس می‌کردند. بَدَر در سال ۱۲۹۷خ، سه مدرسه متوسطه جدید دایر کرد:

۱. مدرسه سلطانی به ریاست سلطان‌العلماء،
۲. مدرسه سیروس به ریاست محسن قریب
۳. مدرسه‌ای به ریاست آقامیرزا ضیاءالدین.

او از محل تصویب نامه ۴ ماده‌ای هیئت وزرا در تاریخ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ق، جمعاً ۳۰ دبستان دو کلاسه تا چهار کلاسه پسرانه، ۱۰ مدرسه دخترانه، ۹ دبیرستان یک یا دو کلاسه همراه با کلاس‌های دبستانی در تهران و چند مدرسه در شهرستان‌ها تأسیس کرد. او نخستین دوره‌های آموزشی شبانه بزرگسالان (اکابر) را در اول مهر ۱۳۰۵ در ده مدرسه تهران با هشتصد دانش‌آموز دایر کرد. در این زمان آموزش ابتدایی و متوسطه گسترش بسیار یافت و افراد بی بضاعت به صورت رایگان در این مدارس آموزش می‌دیدند. از خدمات دیگر نصیرالدوله در دوران وزارت، تصویب نظام‌نامه‌ای [آیین‌نامه] برای حل مشکلات داروفروشان و اطبا بود که بر اساس آن از داروفروشان تهران و شهرستان‌ها، امتحان به عمل آمد و کسانی که از عهده برآمدند، اجازه ادامه کار یافتند. همچنین وی مقرر کرد که دانشجویان مدرسه طب هفته‌ای دو روز در بیمارستان دولتی حضور یابند و پزشکی عملی را از استادان بیاموزند. از اقدامات دیگر نصیرالدوله، تفکیک کلاس موزیک از مدرسه دارالفنون و تشکیل مدرسه‌ای جدید برای آموزش موسیقی بود. شاگردان این مؤسسه آموزشی را که زیر نظر وزارت معارف اداره می‌شد، افراد نظامی و غیرنظامی تشکیل می‌دادند. از کارهای دیگر دوره اول وزارت او، انتشار مجله اصول تعلیمات بود که شماره اول آن در حمل ۱۲۹۸ به چاپ رسید و پس از انتشار ۶ شماره، اداره آن برعهده ابوالحسن فروغی، رئیس دارالمعلمین عالی نهاده شد. «سالنامه معارف ایران» نیز در ۱۲۹۷خ، منتشر شد.

نخستین شماره
مجله اصول تعلیمات
در ۱۵ حمل ۱۲۹۸
قوی ئیل منتشر شد

این سالنامه اطلاعات گرانمایی از اوضاع فرهنگی آن عصر را دربردارد. بدر در دوران کوتاه وزارت معارف خود در کابینه مستوفی الممالک در ۱۳۰۵ خ، نیز خدمات مهمی انجام داد از جمله کتابخانه معارف را تأسیس کرد که بعداً نام آن به کتابخانه ملی تغییر یافت و حدود ۱۵ هزار جلد از کتابهای کتابخانه سلطنتی به آنجا منتقل گردید. در همین زمان او لایحه تعلیمات عمومی را به مجلس برد و در راه تصویب و اجرای آن کوشید. بر اساس این لایحه آموزش رایگان به تصویب مجلس رسید. او در سالهای آخر عمر به عضویت کمیسیون معارف درآمد. اعضای دیگر این کمیسیون مشیرالدوله پیرنیا، مؤتمن الملک پیرنیا، یحیی دولت آبادی، محمد مصدق و چند تن دیگر بودند. وظیفه اعضا، برنامه ریزی برای کمیسیون و انتخاب کتابهای مناسب برای چاپ بود.

از تألیفات مهم او می توان به موارد زیر اشاره کرد:

«رساله در هندسه»، «رساله در خواص اعداد»، «شرح حال حسین بن منصور حلاج»، «تاریخ نادرشاه افشار» و ترجمه «زمین یا معرفت الارض». او در ۱۳۰۹ خ، بر اثر عارضه سکت در گذشت و در صحن عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

نخستین شماره مجله اصول تعلیمات در ۱۵ حمل ۱۲۹۸ قوی ئیل [قوی ئیل نام یکی از دوازده سال دوره سنوات ترکان بوده و به معنی سال گوسفند است] منتشر شد. فهرست مندرجات این مجله زینت بخش جلد آن است. این فهرست شامل عنوان مقاله، نام نویسنده و شماره صفحه بوده و شامل موارد زیر است:

«این مجله برای کیست و مقصود از آن چیست به قلم گاسپار ایپگیان»

«ورزش دماغ - پرورش قوه حافظه به قلم سلطان محمدخان نائینی»

«راه حقیقی اصلاحات به قلم علی اکبر سیاسی، عضو مجمع سروش دانش»

«تقلید - اثر مصاحبت به قلم اسمعیل مرآت، عضو مجمع سروش دانش»

«اقامه برهان به قلم عیسی صدیق»

«علم الاشیاء و طریقه تدریس آن به قلم اشرف»

«معلم ابتدائی نداریم به قلم ح. عظیم زاده»

«آقا بگیم به قلم اشرف»

«یک درس حساب به قلم عیسی صدیق»

«یک درس علم الاشیاء به قلم اشرف»

«علم حساب در مدرسه ابتدائی به قلم فهیمی عبدالله زاده»

«لزوم تغییر وضع تعلیمات سابقه به قلم عنایت الله سهراب»

«احکام و اخطارات وزارت».

● اولین سرمقاله به بررسی اهداف مجله و مخاطبان آن اختصاص یافت. این سرمقاله توسط گاسپار ایپگیان از ارمنیان کشور عثمانی که مردی ادیب و فاضل بود، نوشته شد. او در سال ۱۹۱۶ م. معادل ۱۲۹۵خ، به درخواست ارمنیان تهران برای تدریس در مدرسه «هایگازیان» به تهران آمد و در آنجا به تدریس پرداخت.

در این سرمقاله او به بررسی سه عامل مهم در تربیت و پرورش افراد پرداخته است: محیط اجتماعی، خانواده و مدرسه. او اعتقاد دارد که تشکیلات اجتماعی و محیط تأثیراتی شگرف بر مدرسه و خانواده می‌گذارد. تفاوت در افکار، احساسات و طریقه قضاوت بین افراد جوان و بزرگسال در خانواده وجود دارد که اگر با تعلیم و تربیت همراه باشد، موجب ترقی می‌شود. هدف از تأسیس این مجله بحث در یکی از عوامل سه‌گانه تربیت یعنی مدرسه است. او تدریس را یک فن دانسته که عبارت است از کشف مجهولات، گشودن ابواب فکر و دماغ انسانی بر نور معرفت که توسط کسانی که دارای کلید دانایی هستند، محقق می‌شود. نخستین مقصود این مجله آن است که وسایل را برای کسانی که مایل به اطلاع از اسلوب و علم تدریس هستند، به قدر مقدور تهیه نماید یعنی کسانی که از فن اصول تعلیمات مطلع هستند به وسیله این مجله اطلاعات و تجربیات خود را به سایر همکاران برسانند. مقالات فنی مربوط به اصول تعلیمات باید با عبارات ساده و به طرز عملی منتشر شود بنابراین در این مجله نیاز به عبارات زیبا و بیانات قشنگ نبوده و تنها نیازمند افکار نیکو بوده تا علاقمندان با اصول تعلیمات آشنا شوند. به دلیل آن که مجله اصول تعلیمات، مجله رسمی وزارت معارف است، خلاصه احکام، فرامین و

در این مجله نیاز
به عبارات زیبا
و بیانات قشنگ
نبوده و تنها نیازمند
افکار نیکو بوده تا
علاقمندان با
اصول تعلیمات
آشنا شوند



هر شخصی مالک
خزانه بزرگی از
قوای روحی، عقلی
و مادی است
لیکن معدودی از
این خزانه بزرگ
استفاده کرده و فقط
آنها در زندگی به
موفقیت دست پیدا
می کنند

متحدالمال های رسمی [بخشنامه های رسمی] که راجع به مدارس و معلمان صادر شده و قوانین و اطلاعات احصائیه، بخشی از مجله را شامل می شود. سپس از نصیرالدوله وزیر معارف که مؤسس مجله بوده و معلمین و دانشمندانی که به واسطه مشارکت قلمی، انتشار این مجله را ممکن ساخته اند، تشکر و قدردانی کرده است.

● در مقاله دوم که توسط سلطان محمد نائینی معلم سابق مدرسه عالی امریکائی با عنوان «ورزش دماغ: پرورش دادن قوه حافظه، مطالعات متفرقه مقدماتی» نوشته شده، مسئول پرورش اطفال را مادر و آموزگار می داند. او معتقد است که در کودکی هوش افراد ساکن شهر و روستا مساوی است ولی به دلیل محدودیت هایی که در روستا وجود دارد، ورزش دماغ در کودکان آنجا کمتر از کودکان شهر است. هر شخصی مالک خزانه بزرگی از قوای روحی، عقلی و مادی است لیکن معدودی از این خزانه بزرگ استفاده کرده و فقط آنها در زندگی به موفقیت دست پیدا می کنند و بقیه بواسطه مدخلیت جنایتکارانه معلمین بی خرد، در تشکیل و پرورش قوا و ملکات آنها از تمتع این مواهب بی بهره مانده اند زیرا معلمی که وظیفه خود را نداند و از عهده کار خود بر نیاید، روح طفل را می کشد و او را مخلوقی عاجز دستخوش حوادث تربیت می کند. او معتقد است که فراموشی مطلق وجود ندارد و مطالبی درباره اسرار حافظه بیان می کند.

● علی اکبر سیاسی در «راه حقیقی اصلاحات» به بیان پرسشهایی نظیر این که ایران چرا اینگونه ویران و خراب است؟ و ایرانی چرا اینطور فرومایه و ذلیل گردیده؟ پرداخته و می نویسد: «باید روح جمعیت را تغییر داد و با داروی تعلیم و تربیت، درد مزمن اجتماع را که جهالت و فساد اخلاق است برطرف نمود و از طرف دیگر مخصوصاً بواسطه آنالیز روح مردم، از معایب درونی و مفاصد اخلاقی و موجبات آنها، شناسایی حاصل کرده و وسایل مؤثر عملی برای رفع آن معایب و مفاصد را اتخاذ نمود. تربیت باید شامل قوای جسمانی و قوای روحانی و عواطف و احساسات طبیعی طفل باشد. نخست باید روح طفل را از این زوایا بررسی کرده و به تقویت آن پرداخت. تعلیم باید در ضمن تربیت روح انجام گیرد». سپس وظایف و معلومات معلمان را تحت مطالعه و بحث قرار داده تا اگر معلمین در خود نواقصی مشاهده می نمایند به رفع آن پرداخته و وظیفه خود را بهتر از سابق انجام دهند.

● مقاله «تقلید: دو اثر مصاحبت در اطفال» مطالب زیر را به تفصیل بررسی می کند: کلیه خیالات و احساسات، کم یا بیش توسط اعمال و حرکات، صورت خارجی پیدا می کنند چنانچه ترس، انسان را وادار به فرار می کند. همینطور خیال خمیازه، باعث باز کردن دهان می شود و مشاهده خمیازه دیگران ما را به تقلید وامی دارد. اگر حرکات سایرین در رفتار ما اثری نگذارد، به این دلیل است که خیالات شخصی ما بر خیالات مشهوده از دیگران غلبه پیدا کرده و اراده ما در اجرای آنها قوی تر بوده است یعنی احساسات شخصی از میل به تقلید، در طرز رفتار ما بیشتر اثر دارد و در صورت فقدان احساسات اگر اراده ما مخالف میل به تقلید باشد، کافی است تا ما را از تقلید بازدارد. تقلید در زندگی خالی از اهمیت

خیالات در مغز انسان تشکیل قضایای منطقی می‌دهند و تعیین رابطه بین قضایای منطقی، اقامه برهان است

نیست و انسان همیشه از کسی تقلید می‌کند که او را بالاتر از خود تصور می‌کند و برایش احترام قائل باشد. بنابراین رفتار معلمین در تربیت کودکان اثر بسیاری دارد.

● در مقاله «اقامه برهان»، اعتقاد بر این است که خیالات در مغز انسان تشکیل قضایای منطقی می‌دهند و تعیین رابطه بین قضایای منطقی، اقامه برهان است. اقامه برهان به سه صورت است: قیاس، استدلال از جزء به کل و استدلال از کل به جزء. کودک دارای قوه استدلال است ولی روش اقامه برهان صحیح و شرایط آن بر او پوشیده است و باید به او آموخته شود. به این دلیل تربیت قوه استدلال ضروری است. در کلاس‌های ابتدایی، علم اشیاء بهترین وسیله برای تربیت قوه استدلال است زیرا به آسانی می‌توان به کودک رابطع بین علت و معلول را نشان داد. در کلاس‌های بالاتر معلم باید بواسطه پرسش و پاسخ کودک را هدایت کند که در باب شیئی هر قدر ممکن است کشف کند و بگوید. در درس فیزیک و تاریخ طبیعی باید به کودک یاد داد که از مشاهده آثار طبیعت، قوانین علمی را درست کند. در ریاضیات استدلال از کل به جزء استفاده می‌شود. در تاریخ هم قوه استدلال کار می‌کند زیرا مغز ما وقایع را کنار هم گذاشته و با هم می‌سنجد و سپس طبقه بندی می‌کند و در آن زمان مشخص می‌شود که چقدر وقایعی که از هم بسیار دور هستند، با هم مربوط می‌شوند. در اخلاق، استدلال از جزء به کل استفاده می‌شود. زمانی که قوه استدلال تربیت شد در سنین بالا ایجاد قوه علمی می‌کند.

● مقاله «علم/الاشیاء و طریقه تدریس آن»: چند سال پیش از آن که برای تدریس در مدارس ابتدایی، برنامه‌ریزی‌هایی شود، اسم دروس الاشیاء و علم الاشیاء در تهران معروف شد و کتاب‌هایی به همین عنوان در مدارس تدریس می‌شد ولی تنها به قصد مطالعه بودند نه استفاده علمی. بعدها که علم الاشیاء جزو دروس مدارس محسوب شد، به دنبال رسیدن به دو هدف بود: یکی آموختن قسمتی از معلومات مفید و دیگر تربیت قوای عقلانی در کودکان. علم الاشیاء شامل علوم طبیعی، فیزیک، شیمی و صنایع معمولی است ولی با توجه به خردسالی دانش‌آموزان، هدف آموختن این علوم نبوده بلکه اطلاعات مقدماتی و ضروری اولیه راجع به آب، آتش، خاک، باد، مختصر آشنایی با بدن انسان و اصول بهداشت فردی و اجتماعی بوده است. در این مقاله بر اساس موضوعات دروس و سن کودکان، برای این علم، سه درجه در نظر گرفته شده است. در این درس توضیح شفاهی معلم کافی نبوده بلکه باید قوه دماغی و حواسی کودکان را به کار انداخت. این درس باید بر اساس مشاهده و تجربه تدریس شود و راهکار آن را تابلوها و اشکال تاریخ طبیعی و بعضی استخوانهای اسکلت انسان، فک یک حیوان جونده مثل خرگوش، اقسام دندانها، اجزاء نباتات به طور طبیعی و کلاً وسایل ساده برای تجربیات فیزیک و شیمی که به ساده‌ترین نحو ساخته شده باشند، می‌داند.

● در مقاله‌ای با عنوان «معلم/ابتدایی نداریم»، ضرورت وجود بهترین معلم با بالاترین حقوق را برای کلاس اول و نحوه تدریس آن را، بیان می‌کند.

در انتهای مجله
احکام و اختارات
وزارت معارف وجود
دارد که از هر کدام
از آنها، شرایط
فرهنگی آن روزگار
ایران برایمان روشن
می‌شود

● در مقالات بعدی به نحوه تدریس علم‌الاشیاء با موضوع ابریشم و روش حل مسائل مختلف حساب با محوریت تفریق و روش تدریس تفریق پرداخته است.

● در مقاله‌ای با عنوان «لزوم تغییر وضع تعلیمات سابقه» عنایت‌الله سهراب به بررسی تاریخی روش تعلیم در ایران و شرح ویژگی تعلیم در بعضی کشورها و میزان رشدی که در آن جوامع ظاهر شده پرداخته است و جاذبه مدیر فعال و معلم کارآموده را در ایجاد میل به تحصیل و رشد علمی و اخلاقی در کودکان بسیار مؤثر دانسته است.

● در انتهای مجله احکام و اختارات وزارت معارف وجود دارد که از هر کدام از آنها، شرایط فرهنگی آن روزگار ایران برایمان روشن می‌شود. مثلاً خطاب به اداره کل معارف، حذف آموزش زبان خارجی از دوره شش ساله ابتدائی مطرح شده است: «چون تحصیل زبان فارسی و خط و حساب کافی برای عموم ایرانیان از احتیاجات اولیه و اهتمام و مراقبت در آن از وظایف حتمیه وزارت معارف است و نظر باینکه آموختن السنه خارجی در دوره ابتدائی شاگردان را از تحصیلات فارسی که ناگزیر برای عموم اهل مملکت است بازداشته و باعث ناقص ماندن دروس شش ساله ابتدائی ایشان می‌گردد و السنه خارجی را هم به‌طور کافی نخواهند آموخت، لہذا وزارت معارف امر و مقرر می‌دارد که از اول حمل قوی‌نیل زبان خارجه در دوره ابتدائی ذکور و اناث در تمام مملکت ممنوع است. شاگردان مدارس پس از فراغت از دوره شش ساله ابتدائی مجاز خواهند بود السنه‌ای را که مایلند بیاموزند. اداره کل معارف این حکم را بموقع اجرا گذارده و مفاد آن را به تمام رؤسای معارف ایالات و ولایات و مدیران مدارس ذکور و اناث ابلاغ نمایند».

این مطلب نشان می‌دهد که پیش از آن در دوره ابتدایی، آموزش زبان خارجی وجود داشته و از این زمان ممنوع شده است.

در جای دیگری نصیرالدوله از رئیس معارف می‌خواهد که پاسخ موارد ۱۳گانه‌ای را به‌صورت دقیق و جامع نوشته و به وزارت معارف و اوقاف اعلام دارد. این موارد عبارتند از:

۱. تعداد مدارس در هر یک از شهرها و قصبات ایالت با توضیح عده مدارس ذکور و اناث؛
۲. نوع مدارس از حیث دولتی یا ملی یا خارجه یا مکتب‌خانه؛
۳. شرح مبسوطی راجع به مدارس دولتی؛
۴. عده کلاس‌ها با تعیین ابتدائی و متوسطه؛
۵. وسایل اعانه با ذکر مبلغ وصولی از شاگردان و میزان اعانه دولتی؛
۶. عده شاگردان، معلمین و توضیح اینکه آیا اهل محل هستند یا از شهرهای دیگر به آنجا آمده‌اند؛
۷. مواجب معلمین؛
۸. توضیح اینکه نظام‌نامه‌های وزارتی مجری شده‌اند یا خیر؛
۹. عده مدارس که فعلاً بسته شده و علت بسته شدن آنها؛
۱۰. عده تقریبی اطفالی که سن آنها مقتضی مدرسه رفتن است به این تخمین که برای هر خانوار به‌طور متوسط سه طفل شماره نمایند؛
۱۱. کتب کلاسیک که در مدارس استعمال می‌شود از چه قرار است؛
۱۲. توضیحات عمومی راجع به معارف ایالت؛ و در نهایت
۱۳. ذکر وسایلی که برای اصلاح و انتشار معارف مفید باشد.

و یا اعلم‌الدوله به رئیس معارف می‌نویسد: «چون لازم شده است که وزارت معارف

معرفت کاملی نسبت به کلیه طبای مملکت حاصل نماید که در مواقع احتیاج نظریات خود را به موقع اجرا گذارد علیهذا اخطار می شود که صورتی از کلیه طبای حوزه خود با نمره ثبت اجازه نامه رسمی آنها تهیه نموده به ضمیمه تحقیقات اداری از عملیات و مراتب لیاقت و مدارج علمی هر یک از آنها هر چه زودتر ارسال دارید».

سپس نصیرالدوله، وزیر معارف، نظام نامه امتحانات سالیانه مدارس را در ۹ ماده تنظیم و در اینجا اعلام کرده است.

متنی با عنوان « اخطار از طرف وزارت معارف » در رابطه با ادامه تحصیل دانش آموزان ششم ابتدایی به این صورت منتشر شده است: «محصلینی که دارای تصدیق نامه شش ساله ابتدائی هستند و مایل اند تحصیلات خود را تکمیل نمایند، چون در مدرسه دارالفنون دیگر محل نیست داوطلبان به مدارس دولتی: (مدرسه علمیه [ء]، مدرسه قاجاریه [ء]، مدرسه ثروت [و]، مدرسه شرف مظفری) و سایر مدارس ملی که سال اول متوسطه دارند رجوع نمایند».

● آخرین صفحه دارای جدول آماری است با عنوان « خلاصه اوراق احصائیه » مربوط به شهرهای زنجان، طهران و سمنان است که در آن تفاوت هایی مشاهده می شود. جدول زنجان بسیار مفصل تر از دو شهر دیگر است. در این جدول، اسم مدارس، عده شاگردان، تعداد شهریه دهندگان، تعداد مجانی، عده کلاس ها، عده متعلمین، عایدی ماهانه و مخارج قید شده است. مطابق این جدول در زنجان یک مدرسه اسلامی، یک مدرسه دخترانه با ۵۰ دانش آموز و چهار مدرسه پسرانه وجود داشت. در این شش مدرسه جمعاً ۴۳۳ دانش آموز و ۲۱ معلم مشغول بودند. تعداد دانش آموزان مدرسه اسلامی از سایر مدارس بیشتر (۱۸۰ نفر) و بیشتر از سه برابر هر یک از آنها بوده و تعداد معلمین پنج برابر (۱۰ معلم)، ۳۴۲ دانش آموز شهریه پرداخت می کردند در مقابل ۹۱ نفر به صورت مجانی تحصیل می کردند. ۱۹ کلاس درس وجود داشت. عایدی ماهانه ۲۶۱ تومان و مخارج آنها ۳۳۶ تومان بود.

● قسمتی از جدول آماری طهران شامل اسم مدارس، عده کلاس ها، عده متعلمین و عده معلمین در این شماره درج شده است. نام ۱۹ مدرسه طهران عبارت بودند از: شرف مظفری، اتحادیه، انوشیروان، داریوش، افتتاحیه، تربیت، پارسیان، ثریا، خرد، کمالیه، اسلام، دبستان شرافت، علمیه، ادب، نمره ۲۷، نمره ۲۹، متوسطه غیرمجانسی نمره ۲، نمره ۲۶ و نمره ۳. در سمنان ۳ مدرسه پسرانه با ۲۷۰ دانش آموز، یک مدرسه دخترانه با ۲۰ دانش آموز و ۶ مکتبخانه با ۲۰۰ دانش آموز وجود داشت.

● پشت جلد مجله متن فارسی و فرانسوی نامه ای به تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۱۸ م. است که در آن نصیرالدوله به میرزا حسین خان اختیار داده که یک نفر مدیر کل و هفت نفر معلم جهت وزارت معارف کنتراست کند.

منابع

۱. آل داود، سیدعلی. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱۱. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۲. مجله اصول تعلیمات. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، شماره های ۱-۶. تهران: مطبعه روشنائی، ۱۳۹۸-
۳. مهدی بامداد. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران: زوار، ۱۳۴۷.